

جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه «نظام انقلابی»

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۳

سیدابراهیم سرپرست سادات^۱

چکیده

رسالت جدید ملت ایران در «گام دوم انقلاب» و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی، با ورود به دهه پنجم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه‌پردازی است. مرحله‌ای که بعد از نظام‌سازی و دولت‌سازی مقدمه تمدن اسلامی-ایرانی در شکل نوین آن و مطلع بایسته طلوع خورشید ولایت عظمی بوده و مناسبات زندگی اجتماعی انسان‌ها را در هزاره جاری تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما این جامعه‌سازی خود مبتنی بر شعارهای انقلاب اسلامی، روحیه و حرکت انقلابی است؛ سؤالی که در این میان ارزش طرح و بررسی دارد این است که آیا میان «جوشش انقلابی» که مقتضای تحرک، بسیج، خصال جهادی، حرکت و تغییرخواهی مستمر است و «جامعه‌سازی» که برابند نظم و ثبات اجتماعی است، تضاد و تنافری وجود ندارد؟ در مقام پاسخ به این سؤال و با روش توصیفی و تحلیلی با ابتنا به اندیشه مقام رهبری به دست آمد که میان انقلابی‌گری و نظم اجتماعی و حتی نظم سیاسی تضاد و تنافری وجود ندارد، بلکه اتفاقاً از بایسته‌های شکل‌دهی به جامعه مطلوب در اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای، انقلابی‌گری نظام اسلامی در معنای واقعی آن است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، نظام انقلابی، جامعه‌پردازی، جامعه اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

بیانیه عبارت‌پردازی شده، سازمان‌دهی شده، هدف‌گذاری شده آیت‌الله خامنه‌ای برای چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با نگاه کلی و فرابخشی (در مقابل نگاه جزئی و بخشی) و نگاه فرایندی (در مقابل نگاه اینجا و اکنونی) (جبرائیلی، ۱۳۹۷)، ضمن اعلام پایان انحطاط تاریخی طولانی مدت، تحقیر، عقب‌ماندگی و عقب‌افتادگی گاه تحمیلی و گاه برابری فرومایگی رجال سیاسی داخلی به‌عنوان دستاورد قطعی و بدون تردید انقلاب اسلامی، چگونگی استمرار انقلاب را برای سال‌ها و دهه‌های آتی و چستی اهداف آن را ترسیم کرد. یکی از مهم‌ترین آن اهداف که در بیانیه مطرح شده است، بحث جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی به‌عنوان یکی از مراحل مهم انقلاب اسلامی است. پیشتر نیز در مراحل ترسیمی از سوی رهبری، کشور و جامعه اسلامی چهارمین مرحله پس از انقلاب، نظام و دولت و مقدمه مرحله تمدن‌سازی قرار گرفته بود. در نظر رهبری انقلاب و در حرکت اسلامی ملت ایران، انقلاب اسلامی اولین منزلگاه بود که در ادامه به تشکیل نظام اسلامی انجامید. تحقق دولت اسلامی از همان اوایل انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی حرکت اسلامی ملت ایران مطرح شد و تشکیل این الگوی آرمانی از دولت مقدمه‌ای بر شکل‌گیری «جامعه اسلامی» قلمداد شد. در چنین زمینه‌ای، بازشناسی مختصات جامعه در اندیشه رهبری انقلاب و چگونگی تحقق آن در شرایط انقلابی پایدار، با عطف توجه به کلیت اندیشه رهبری و با محوریت «بیانیه گام دوم» مسئله این مقاله و درآمدی بر بازشناسی نظریه اجتماعی رهبر انقلاب اسلامی است. ضرورت و اهمیت پرداختن به سویه‌های مختلف اندیشه‌های رهبری از جمله عبارت‌اند از: فهم اندیشه رهبری باب فهم اندیشه‌های امام خمینی، تجربه عملی رهبری بیش از سه دهه، پایه‌گذار بسیاری از جریان‌ها و گفتمان‌ها، احاطه بر شرایط تاریخی جامعه ایران به‌عنوان «سرآمد پارادایم»^۱، ورود در حل معماهای سیاسی و اجتماعی و دنبال شدن اندیشه‌های وی به طرق مختلف توسط اندیشمندان طرفدار یا منتقد و مخالف (اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۱۰-۹).

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی مقاله بازشناسی مختصات جامعه مدّ نظر رهبری و بایسته‌های رسیدن به آن در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای و چگونگی تحقق آن در ضمن نظریه «نظام انقلابی» است. بنابراین سؤال‌های مقاله عبارت‌اند از:

۱. جامعه اسلامی و شاخص‌های آن در منظومه فکری رهبری انقلاب اسلامی چیست‌اند و کدام‌اند؟
۲. بایسته‌های تحقق جامعه اسلامی در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی کدام‌اند؟
۳. چرایی و جایگاه نظریه نظام انقلابی در جامعه‌سازی در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی چیست؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، نوع کارهای صورت گرفته صبغه سیاسی دارند مثلاً محمدی مزرعی و نادری (۱۳۹۷) در مقاله «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه عملاً دولت را متصّف به اسلامی بودن یا نبودن آن می‌نماید «عملکرد و جهت‌گیری اسلامی» می‌باشد. حکمرانی موفّق رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) در دولت نبوی و علوی، الگوی آرمانی تحقّق دولت اسلامی در بافت نظام جمهوری اسلامی است. سلامت اعتقادی، اخلاقی و رفتار اسلامی کارگزاران و نهادها، سنجه و تراز دولت اسلامی است. در مقاله مشابه دیگری با عنوان «نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» لک زایی و جاویدی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیده‌اند که در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم دولت با توجه به منشأ الهی مردمی دانستن دولت و اعتقاد به مردم‌سالاری دینی و اصول مسلم استقلال، آزادی و جمهوری، مفهومی شبکه‌ای است که بر مبنای هندسه الهی شکل یافته است. در بحث ساختار دولت، ایشان به دولت کوچک پویا و تعاملی بدون الزامات غیراسلامی و حتی الحادی نظریات غربی و شرقی معتقدند. ایشان در نظریه دولتشان به دولت کریمه عدل محور معتقدند که مبنای آن اسلامی است و جهت الهی دارد و اصول اساسی آن برپایی قسط و عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها،

دفاع از حقوق مسلمانان عالم، و دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم است. چنان‌که روشن است در نوع این تحقیقات تمرکز بر دولت اسلامی است، درحالی‌که این مقاله بر جامعه تمرکز پیدا کرده است. در کتاب منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای که در چهار بخش به قلم جمعی از پژوهشگران و با کوشش عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۶) منتشر شده است به نظام‌های اجتماعی اسلام در اندیشه رهبری نیز پرداخته شده است تا بر انسجام و هماهنگی اندیشه وی در ابعاد گوناگون باز تأکید شود، که البته در آن اثر بر بیانیه گام دوم استناد نشده است. در ارتباط با محوریت بیانیه گام دوم نیز کارهای پژوهشی در حال انجام هست، که تا زمان نگارش این مقاله اثر قابل توجهی منتشر نشده است. به نظر می‌رسد کوشش حاضر درآمدی بر نظریه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای با محوریت «بیانیه گام دوم انقلاب» باشد.

چارچوب مفهومی

در اینجا «جامعه»، «جامعه پردازی» و «نظام انقلابی» برای ساماندهی نظری مباحث، تعریف و توصیف می‌شوند.

جامعه و جامعه پردازی

انسان اجتماعی برای بقای خود به دیگران نیاز دارد و شیوه‌های بقا را از جامعه آموخته و دوباره و چندباره اجتماعی می‌شود. اجتماعی شدن نخستین ممکن است مهم‌ترین مرحله اجتماعی شدن باشد، اما اجتماعی شدن بعدی ممکن است مسیرهای نخستین را تقویت کند یا ما را به مسیرهای جدیدی رهنمون شود. اجتماعی شدن کنشگر فردی را شکل می‌دهد (شارون، ۱۳۹۸: ۵۷-۵۲). جامعه سازمانی اجتماعی متشکل از همان مردمان - اجتماعی بوده و شده - و کنشگران است که دارای تاریخ، فرهنگ، ساختار، مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی و معمولاً زبان و هویتی مشترک هستند (همان: ۷۲). جامعه همچنین گروهی انسجام‌یافته از همان افراد هستند که رابطه و هدف واحدی آنها را گرد هم آورده است (مطهرنیا، ۱۳۸۳: ۷۶). جامعه اسلامی هم جامعه‌ای است که از خاستگاهی عقلانی و مبتنی بر ادراک منفعت جوی مسلمانان - در حیطه شریعت اسلام - برخاسته است، اما هدف از گردهمایی آدمیان در آن، تنها ناشی از این خاستگاه و محدود به آن نیست؛ چراکه مسلمان در پرتو ادراک عقلانی خود، باید

مهم‌ترین محیط و مطمئن‌ترین گستره زندگی پرمفعت جمعی را در تعامل سازنده با دیگر مسلمانان در جامعه بزرگ اسلامی پیدا کند و به این یقین برسد که منفعت وی به عنوان فرد در گرو منافع و مصالح کل مسلمانان است (همان: ۹۳). بنابراین جامعه اسلامی در برگیرنده اجتماع مسلمانانی است که به واسطه عقلانیت مبتنی بر پیوندهای دینی و برخاسته از خاستگاه عقل منفعت جوی آدمی-در وجوه مادی و معنوی-به هدف رفع حوائج چند وجهی خویش و سبقت جستن از دیگر جوامع به یکدیگر پیوند می‌خورند (همان). ویژگی‌های جامعه اسلامی از منظر نهج‌البلاغه عبارت‌اند از: آزادی گفتار، تأمین امنیت، تبعیض زدایی، سلامت مالی، مردم‌سالاری، مردم‌داری، حق‌مداری، مداراگری، بازرسی و نظارت، تشویق و تنبیه (شیرودی، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۴). خصایص مورد انتظار از جامعه اسلامی، ویژگی‌های جهت‌دار و حساب شده‌ای هستند که همه در ظل جهان‌بینی خاص الهی یعنی جهان‌بینی توحیدی و بر وفق مضامین آیه‌های قرآنی تدوین شده و در به جا آوردن هرچه کامل‌تر تعبد و وظیفه ایفاد می‌کنند و با هماهنگی شایان توجهی هدف تعالی انسان را دنبال می‌کنند (ابولقاسمی فخری، ۱۳۷۲: ۷۴). نگاه اسلام به همه ابعاد جوامع بشری نگاهی وسیع و همه‌جانبه است (مستقیمی، ۱۳۸۰). اگرچه روح تعالیم اسلام و معنویات حاکم بر احکام آن، کاملاً با پیدایش جوامع منحرف مخالف است، اما در مرحله عمل، نمونه‌های بارزی از انحراف‌ها نظیر فاصله بسیار چشمگیر بین فقر و غنا یعنی فاصله طبقاتی و انواع دیگر شکاف‌های آزاردهنده در کشورهای مسلمان قابل مشاهده است، به نظر برخی پژوهشگران از این منظر عموماً زندگی اجتماعی در جهان اسلام، غیر اسلامی است (مستقیمی، ۱۳۸۰). جامعه انسانی چون پیکره آدمی است که اعضا و جوارح آن با یکدیگر در داد و ستد و تعامل‌اند. تعامل پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر و تأثیراتشان در یکدیگر، موجب می‌شود که تحلیلگر جامعه به آن مانند یک موجود حیاتمند نظر کند (واسعی، ۱۳۸۵). جامعه بنابراین و گونه خاصی از آن مثل جامعه اسلامی ساختنی است. اساساً «جوامع به خودی خود پدید نمی‌آیند، آنها ساخته می‌شوند و به کندی هم ساخته می‌شوند» (شارون، ۱۳۹۸: ۷۶). این تنافری با اجتماعی بودن انسان ندارد، چراکه انسان طبیعت فرهنگی نیز دارد، یعنی موجودی نیست که طبیعتش را بیولوژی معین کند، بلکه بسیار گوناگون است. انسان‌ها همواره در تلاش هستند که جامعه خود را بهینه کنند، هم انسان،

ویژگی‌های انسانی و فردی خود را از جامعه به دست می‌آورد و هم با الگوهای اجتماعی و فرهنگی مناسب و متناسب، جدید یا جدید فهم شده اجتماع خود را بهینه می‌سازد (شارون، ۱۳۹۸: ۷۰). به اعتراف بسیاری از دانشمندان انسان‌ها در طول حیات خویش، همواره دسته جمعی زندگی می‌کردند، با افزوده شدن آگاهی و فرهنگ، جوامع شکل کنونی را یافتند و جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی راه تداوم این نوع زندگی بوده است (امیرکاوه، ۱۳۹۳: ۱۰). در ساخته شدن «جامعه دینی» یعنی جامعه‌ای پویا، مسئولیت‌پذیر، تسلیم در برابر حق، مبارز سخت با کفر، استبداد، طاغوت و استعمار، مهربان، سلم‌جو، همدل و مصلحت‌اندیش بین خود و مجاهد فی سبیل الله و برای تحقق همه آرمان‌های جامعه مطلوب دینی، «نظام انقلابی» امکان‌سازی می‌کند. «اگر دین عنصر ذهنی اعمال قدرت را فراهم آورده، تشکیل حکومت دینی عناصر عینی اعمال چنین قدرتی را تدارک می‌بیند» (مطهرنیا، ۱۳۸۳: ۶۶) و با کمک به ثبات و تداوم الگوهای رفتاری در یک جامعه که نتیجه جامعه‌پذیری است، آن را قوت و استیلا می‌بخشد.

نظام انقلابی

برخی در زمینه بحث فروپاشی شوروی بر پایان عصر انقلاب‌های اجتماعی تأکید دارند. برخی از رئالیست‌ها، انقلاب اجتماعی را یک دروغ بزرگ می‌دانند و کارکردگرایان آن را یک بیماری، ناهنجاری و عارضه موقتی محسوب کرده‌اند. پوپر گفته بود: «چرا باید خود را به یک آینده خیالی دلخوش کنیم؟ آنچه مهم است این است که می‌شود بهشت زمینی را از وضعیت فعلی به وجود آورد. آیا شایسته است ما نسل فعلی را برای یک آرمانشهر دروغین به مسلخ ببریم». مارکوزه و فوکویاما نیز از سرآمدان نظریه پایان عصر انقلاب‌های اجتماعی هستند (رحمانی‌زاده دهکردی، ۱۳۷۵: ۹۳). پنج مرحله کرین بریتون: «پیش از انقلاب، خود انقلاب، حاکمیت میانه روها، حاکمیت تندروها و دوران ترمیدور» هم در زمینه مقطعی بودن انقلاب‌ها مورد توجه پژوهشگران است (پناهی، ۱۳۹۸). اما درحالی‌که این گونه نظریه‌ها بر پایان عصر انقلاب‌های اجتماعی بزرگ یا مقطعی بودن انقلاب‌ها تأکید دارند، نظریه‌های دیگری هستند که اساساً انقلاب‌های دائمی را تئوری پردازی کرده‌اند. افرادی که به انقلاب دائمی معتقد هستند، انقلاب‌ها

را دارای فرایندی مستمر می‌دانند. مفهوم انقلاب دائمی را نخستین‌بار کارل مارکس در سال ۱۸۵۰ در یک گردهمایی کارگری مطرح کرد. مارکس معتقد بود که طبقه کارگر با انقلاب مستمر نباید اجازه دهد سرمایه‌داران حاکم شوند (پناهی، ۱۳۹۸). مارکس این ایده را در سطح جهانی هم برای استمرار انقلاب‌های سوسیالیستی در کشورهای مختلف مطرح می‌کرد. بحث خاتمه یا استمرار انقلاب در انقلاب شوروی بسیار جنجال برانگیز شد، تروتسکی از رهبران انقلاب ۱۹۱۷ شوروی موافق انقلاب مستمر و دائمی بود؛ درحالی‌که کسانی مانند استالین مخالف این ایده بودند و این اختلاف نظرها باعث تصفیه‌هایی در انقلاب شوروی شد (پناهی، ۱۳۹۸). در خصوص انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب اجتماعی (در تعبیر مارکس زلزله) و نه انقلاب صرفاً سیاسی (رعد و برق)، نیز این بحث بین مسئولان و نخبگان جمهوری اسلامی مطرح است. عده‌ای معتقدند انقلاب اسلامی به پایان رسیده است و به طور مثال باید سیاست‌های هماهنگ با فضای جهانی اتخاذ کنیم، اما در مقابل برخی معتقدند انقلاب اسلامی در فرایند تکامل خود قرار دارد و به سیاست‌های انقلابی باید ادامه بدهیم، رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، نشان داده‌اند که معتقد به انقلاب مستمر هستند (پناهی، ۱۳۹۸). جدا از نوع زمینه‌های نظری غربی در بحث مقایسه و بازشناسی انقلاب‌ها، استمرار انقلاب یا ضرورت نظام انقلابی را می‌توان در چارچوب جهان‌بینی اسلامی با بحث نهضت-نهاد علی شریعتی نشان داد. شریعتی روزگاری از تشیع دو چهره به‌دست داد: شیعه علوی و شیعه صفوی. او در این مقام، نقطه عزیمت خود را شناسایی دوگانگی میان تشیع موجود عصر خود و تشیع راستین قرار داد. او معتقد بود که «تشیع به یک تجدید نیروی پایدار یا انقلاب» (رهنما، ۱۳۸۱: ۴۶۱) نیازمند است و راه‌هایی از شکل نهادی‌یافته آن جز با یک جنبش تازه و انقلابی و نشان دادن چهره راستین تشیع غیرممکن می‌نماید. با اتکا به این بحث می‌توان جمهوری اسلامی را براینند یک نهضت انقلابی-علوی شیعی به رهبری امام خمینی دانست، چراکه در این انقلاب و نظام سیاسی شکل گرفته براساس آن، در مقابل همه اشکال انحطاط دینی و مذهبی نظیر جدایی دین از سیاست علم مبارزه برداشته شده است. همچنین اندیشه این انقلاب در تعارض عملی با هرگونه پنداری قرارگرفت که ظهور امام عصر(عج) را در بستر فساد عالم‌گیر می‌دانست. انقلاب اسلامی خود را زاده مسئولیت در قبال فراهم‌آوری مقدمات راستین برای ظهور امام موعود می‌شناسد. در پرتو

انقلاب و جمهوری اسلامی برآمده از آن مفاهیم اسلامی و شیعی نه تنها بازخوانی علمی و پژوهشی شده‌اند که اساساً با بازخوانی جدید به عرصه فکر و کنش جامعه نیز کشیده شده‌اند و موجب حرکت ملت و مقاومت ایشان در مسیر اهداف بلند و آرمانی اسلام شده‌اند. جامعه برابری انقلاب و نظام، بر دعوت به خیر و اصل امر به معروف و نهی از منکر استوار بوده و دامنه آن از امر و نهی مردم به مردم فراتر بوده و شامل النصیح لائمه المسلمین نیز می‌شود. این همه بستری برای پویایی مفاهیم و نظریه‌های دینی تغذیه کننده و استمراربخش «نظام انقلابی» است که هویت آن حرکت آفرین، ضد استحاله، انحراف، تحریف و سوءاستفاده از دین و مناسبات دینی است (سرپرست سادات، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۱۸).

براساس اندیشه احیای دینی، بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب سده اخیر بر پایه ایمان و معرفت اسلامی شکل گرفت و براساس آن یک نظام الهی و دینی پدیدار شد. نظام‌سازی و دولت‌سازی نشانگر ظرفیت یک فرهنگ متعالی و سازندگی آن و از مقدمات ضروری تمدن‌سازی است. آیا انقلاب اسلامی با تبدیل شدن به نهاد در قالب یک نظام سیاسی با عنوان جمهوری اسلامی، روح انقلابی خود را از دست داده است؟ پاسخ از نظر رهبران جمهوری اسلامی «نه» محکم است. جدا از اینکه هر نشانه، سخن و استدلالی که از زبان و بیان رهبران آن گفته می‌شود نافی وضعیت صفوی، سیاه، رکود، خمول، خواب‌زدگی و تحجر است، به‌درستی نیز انتظار دارند که جمهوری اسلامی با عدم بی‌مبالاتی به خطوط اصلی خود و نزدیک شدن راستین به علوی‌ترین حکومت تاریخ، از همه صور جامعه شیعی سیاه و صفوی گذار کند و وظیفه «نظام انقلابی» اساساً همین است. از این رو بالاترین مقام سیاسی در ایران در دهه پنجم انقلاب، همچنان با عنوان «رهبر انقلاب» خوانده می‌شود، تا برآورده ساختن هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، جامعه‌سازی متناسب آن و تمدن آفرینی آن با صدایی رسا گوشزد و همواره مطالبه شود.

روش تحقیق

در این مقاله با مطالعه اسنادی (که صرفاً از طریق کتب، اسناد و مدارک دیگر به‌طور باواسطه صورت می‌گیرد) (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۵۴-۲۵۵) و بهره‌گیری از روش توصیفی یعنی

نگرش‌شناسی با توصیف نظام‌مند یعنی بازشناسی‌ها در زمینه، شرایط و موقعیت، تلاش خواهد شد تا از اندیشه رهبری انقلاب، مختصات جامعه اسلامی و بایسته‌های تحقق آن بازشناسی و تحلیل شوند. راهنمای تجزیه و تحلیل داده‌ها، منطق درونی نظام اندیشگی رهبری به مثابه یک کل است که هم «نوع فکر» و اندیشه و هم سیستماتیک بودن یا نبودن آن را نشان می‌دهد و از این‌رو به بیانیه گام دوم اکتفا نشده و به سایر سخنرانی‌ها و بیانات ایشان نیز استناد می‌شود.

یافته‌های پژوهش

با تمهید مفهومی، نظری و روشی بالا و در این مقام با پاسخ به سؤال‌های مقاله به دنبال واکاوی بیشتر مسئله مطرح شده خواهیم بود.

۱- جامعه اسلامی و شاخص‌های آن در منظومه فکری رهبر جمهوری اسلامی

«اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش» (۱۳۸۴/۵/۲۸) آبخور اندیشه‌های رهبری درباره جامعه، چستی و چگونگی آن است. اسلام جامعه را به رسمیت می‌شناسد و فراتر از آن برای ساختن آن برنامه دارد: «اسلام غیر از کارهای شخصی، وظایف عمومی هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد» (بیانات در دیدار خبرنگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰) جامعه مدنظر رهبری نیز طبیعتاً جامعه اسلامی است. «طبق نظر اسلام، چه جامعه‌ای را باید ساخت؟ جامعه‌ای که در آن، عدل و داد باشد؛ آزادی فکر و اندیشه باشد؛ رشد و شکوفایی استعدادها باشد؛ اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی حاکم باشد؛ در آن، فقر و فساد و تبعیض نباشد؛ انسان‌ها احساس شرف و افتخار و امید کنند و بخواهند دنیایی را با شرف و با افتخار و با اخلاق فاضله بسازند. اسلام جامعه‌ای را می‌خواهد که در آن علم بجوشد و بر پایه علم، همه بنیان‌های اجتماعی نوسازی شود و پیش برود. اسلام جامعه‌ای را می‌خواهد که در آن، افراد و مجموعه یک ملت مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه ملت‌ها» (بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۴/۳/۳). شاخصه‌های این جامعه را نیز رهبری از سیره و سنت معصومین به دست می‌دهد، رهبری انقلاب مواردی چون

«ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت و کار و حرکت و پیشرفت دائمی» را شاخص‌های جامعه‌نوی بر می‌شمرند (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۲/۲۸). در چنین بستری جامعه‌اسلامی در نظر رهبری عبارت است از «جامعه‌ای که در آن آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی و آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است تحقق پیدا کند» (۱۳۸۴/۵/۲۸). شاخصه‌های آن نیز در اندیشه رهبری و مستند به بیانات متعدد وی عبارتند از: «جامعه‌ی عادل و برخوردار از عدالت، نقش واقعی مردم در اداره و پیشرفت آن، دارای عزت ملی و استغنا ملی، برخوردار از رفاه و مبرای از فقر، دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه، در حال پیشروی دائم، حامل عزت حقیقی برای مردمش، جریان اسلام حیات بخش در آن، جریان حقیقی علم و اقتدار علمی در جامعه». و دارای «الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عطوفت بین قشرها و پُرشدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه» (بیانات در دیدار مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸). «عدالت‌طلبی»، «ساده‌زیستی مسئولان»، «کار و تلاش مخلصانه»، «طلب و پویایی علمی بی‌وقفه»، «ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزی و سلطه بیگانگان»، «دفاع شجاعانه از حقوق ملی و حقوق ملت» (بیانات در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴)، «نیازمند به علما و معلمین اخلاق و دین و معارف برای اقامه حکومت و جامعه اسلامی» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۴/۶/۱۴) که شاخص‌های خاص برآمده از وجه اسلامی و هویت اسلامی‌اند. «اجتناب از اشرافی‌گری»، «ارزش جهاد و شهادت»، «احترام به شهیدان»، «احترام به جهاد و مجاهدان»، «اعتماد به مردم»، «شجاعت در برابر هیبت دشمن»، «نزدیکی با ملت‌های مسلمان»، شاخص‌های بیشتر مورد اهتمام در شرایط کنونی جامعه ایرانی هستند (بیانات در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴). با تحقق این شاخص‌ها و در جامعه اسلامی این وضعیت پیش می‌آید: «اگر جامعه‌ای که انسان‌ها و مردمش درست می‌اندیشند و عمل می‌کنند، دارای رحم و مروت‌اند، دارای احساس مسئولیت در پیش خدای بزرگانند، دارای احساس معنویت‌اند، غرق در ماده نیستند و همه چیز را برای خود نمی‌خواهند؛ قدرت و رفاه مادی بیابند، آن پول و قدرت و آن پیشرفت و رفاه مادی، برای همه انسان‌های دنیا، خیر به وجود می‌آورد. همان‌طور که در صدر اسلام، اسلام آمد و چراغ علم و معنویت را در دنیا روشن کرد» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی،

۱۳۷۱/۱/۱۵). در اندیشه رهبری، در عین حال دست یازیدن و تحقق جامعه اسلامی هدف میانی است و هدف اساسی‌تر این است که در سایه چنین جامعه‌ای انسان بتواند خود را به تکامل معنوی برساند (بیانات در اولین دیدار نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۳/۲۱). «هدف نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۴/۱۳). طبق منطق اندیشه رهبری، رضایتمندی که به دنبال اوصاف مذکور از جامعه نیک و عادلانه به دست می‌آید، زمینه‌ساز تعالی‌جویی انسان و رسیدن او به کمال معنوی، فطری و خداجوی خود شده، جوهره انسانی، عقلانیت و فرزانیگی او را تحقق می‌بخشد.

۲- بایسته‌های تحقق جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

در تلقی و تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه هم از جوششی درونی و هم با کمک و پردازش از بیرون حاصل می‌شود، هم کارگزاران در آن سهم دارند و هم ساختارها، که اشعار به پذیرش دوگانه ساختار-کارگزار در تحقق جامعه اسلامی در اندیشه رهبری دارد و بایسته‌های زیر براینند آن است:

- دولت اسلامی: اساس کار در اندیشه رهبری در این راه با مسئولیت‌پذیری دولت اسلامی ایجاد می‌شود «دولت اسلامی است که کشور [جامعه] اسلامی به وجود می‌آورد» (۱۳۸۴/۵/۲۸). «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی» (۱۳۷۹/۹/۱۲). «دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد. بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن‌وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: لتکونوا شهداء علی الناس» (۱۳۸۰/۹/۲۱) از این رو مهم‌ترین بایسته همان دولت اسلامی است، که

رسیدن به آن دولت نیز، از رهگذر نظام انقلابی می‌گذرد. اما تا زمان تحقق چنین دولتی، مسئولیتی فراگیر متوجه همگان است.

- زمینه‌سازی‌های ساختاری: مانند کمک به اصلاح قوانین و مقررات، نظامات، تعاملات و ساختارهای مورد نیاز جامعه اسلامی.

- جامعیت در هدف: «ما می‌خواهیم جامعه‌ای داشته باشیم که ثروت و قدرت و سعادت همه‌جانبه و عدالت را با هم داشته باشد، این نقطه‌ای است که ملت‌ها آرزوی آن را می‌کشند. جامعه‌ای می‌تواند تصویر آرمانی یک ملت زنده، بیدار و باهوش قرار گیرد که در آن، معنویت و عدالت و عزت و قدرت و ثروت و رفاه باشد» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۸۱/۷/۱۷).

- تقوی و استقامت مسئولین: «اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم. این بسته به شانس و اقبال هرکسی است که در گوشه‌ی معلم خوبی پیدا کند و به صورت فردی تکامل یابد؛ [اما] جامعه پیش نخواهد رفت» (۱۳۸۴/۵/۲۸).

- مسئولیت‌پذیری: هیچ انسان و هیچ جامعه‌ای بدون این احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید. این احساس مسئولیت و تعهد باید آگاهانه باشد (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

- مجاهدت فی سبیل الله: بدون معنویت و آرمان معنوی و اخلاق و درنظر گرفتن خدا و بدون مجاهدت فی سبیل الله ممکن نیست (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۸۱/۷/۱۷) ما باید عدالت و اخلاق را مستقر کنیم و جامعه خود را به معنای واقعی اسلامی کنیم. این احتیاج دارد به کار و تلاش و ایمان و عمل صالح و مجاهدت در راه خدا (بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۴/۳/۳).

- حفظ نظام و هویت واقعی آن: حفظ نظام اسلامی و حفظ این اساس و حفظ آن مرزها و شاخص‌هایی که این نظام را از بقیه نظام‌های دنیا جدا می‌کند (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶).

۳- جایگاه و چرایی نظریه «نظام انقلابی» در جامعه‌سازی در اندیشه رهبری

تا تحقق کامل آرمان‌های انقلاب اسلامی و هم شکل‌گیری دولت اسلامی فاصله وجود دارد و راه پیمودن آن، برخورداری از قدرت براساس معیارهای امروزی است و این در اختیار یک نظام اسلامی انقلابی است. نظامی که به تعبیر رهبری در مقابل پدیده‌های نوین، متحجر نیست، بلکه با انقلابی‌گری و طرح و تداوم شعارهای ابدی خود که نه تنها حاوی ارزش‌های دینی بلکه حاوی ارزش‌های انسانی، فطری و جهانی نیز است، مسئولیتی خطیر برعهده دارد. انقلاب دائمی یا نظریه نظام انقلابی در اندیشه رهبری، راه رسیدن به آرمان‌های نهایی انقلاب اسلامی یعنی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است. انقلاب با تبدیل شدن به یک نظام سیاسی یک ساختار سامان‌مندی را آفریده تا خادم اهداف انقلاب باشد نه اینکه با تبدیل شدن به نهاد از آن وجه انقلابی دست بشوید. جمهوری اسلامی نظامی برای تحقق غایی آرمان‌های انقلاب اسلامی است، بر مدار آن می‌چرخد و به پیش می‌رود و قانون اساسی آن ساختار نظام‌مند تحقق آن اهداف است. بنابراین چون در مسیر متعالی و در راه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب و اهداف دیگر و جدید ترسیمی رهبران دینی و فکری جامعه حرکت می‌کند، چهره‌ای دوگانه دارد: «نظام انقلابی». انقلابی‌گری یک نظام سیاسی به معنای حرکت جهادی پایان‌ناپذیری است که چون حامل روح حرکت و قیام است بستر سازندگی، تعالی، توسعه، جامعه‌پردازی و تمدن‌آفرینی است. نظام انقلابی یعنی باور عمیق به انقلاب به مثابه مشی و منش و اینکه انقلاب ادامه دارد و نقیبی برای کسانی که تغافل می‌کنند. به تصریح رهبری، انقلاب برای تعقیب اهداف مقدس یک حرکت دایمی و همیشگی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴ / ۶ / ۲۵) و اینکه توجه همیشگی به روح و سیرت حرکت و حفظ روح و هویت انقلاب، از بایسته‌های تداوم انقلاب اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، «نظام انقلابی» رسالتی داخلی و هم بین‌المللی دارد و البته رسالت بین‌المللی آن در گام نخست سه قطبی کردن جهان دو قطبی و امروزه با تداوم بحث دو گانه استضعاف-استکبار و جهانی‌سازی مطالبه آن، برای به هم ریختن ساختارهای سلطه جهانی در نهایت امر است و انقلاب در ارتباط با آن و در حوزه داخلی، حرکتی است که به دنبال عزت و اعتلای یک ملت بوده، می‌خواهد شر استعمارگران اجنبی و ایادی داخلی آن را از مردم دور

سازد (جمالزاده، باباهادی و فیضی، ۱۳۹۷: ۱۱۴) و از این رو راه علاج و حرکت رو به رشد مردم و حتی بشریت، صبرورت در مسیر انقلاب است (۱۳۷۸/۶/۲۴). انقلابی‌گری و تحول‌خواهی بر منطق اسلام انقلابی، در بعد داخلی که بیشتر مطمح نظر این نوشته است توان و ابتکار همه نهادهای حاکمیتی، قوای سه‌گانه و از جمله شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی را می‌طلبد. شاید بتوان گفت که نظریه «نظام انقلابی» اقتضای مقاومت‌های ساختارهای رسمی و نیمه رسمی کشور و کارگزاران آن در برابر خواسته‌های صریح در بیانیه است که برخی از آنها در همه این سال‌ها نیز با ادبیات مختلفی از ناحیه رهبری درخواست شده است. یکی از این مقاومت‌ها، کنار نرفتن چهره‌های دائمی از مسئولیت‌های مختلف حکومتی، مناصب دولتی و نمایندگی مجلس شورای اسلامی به بهانه‌های مختلف است. از دیگر این مقاومت‌ها سخن نگفتن بیشتر سر سفره انقلاب‌نشینان با زبان انقلاب، قانون اساسی و رهبران انقلاب و گاه عدم کنشگری براساس آنهاست. در واقع بیانیه گام دوم، نقشه راه عملیاتی سطوح اجتماعی و تمدنی در سال‌های پیش رو است و همه اجزا و ارکان نظام را درگیر می‌کند و متوجه همه آنهاست. بیانیه گام دوم انقلاب، توجه جدی و دوباره به انقلاب اسلامی، بارورساختن همه ظرفیت‌های آن با میدان و امکان دادن به جریان انقلابی، شناخت درست گذشته و درس گرفتن از تجربه‌ها، توجه جدی به قشرهای نیازمند حمایت، برخورد با ویژه‌خواران داخلی، بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کم نظیر کشور از جمله جوانان، و جریان عملیاتی «ما می‌توانیم» برای قرار گرفتن گوهر بی‌همتای عدالت بر تارک جمهوری اسلامی در پرتو همه آنهاست. از این رو باید اذعان کرد که این بیانیه برای گام بزرگ دوم و نه انقلاب دوم و نفسی تازه برای انقلاب اسلامی است.

اینکه مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی تحقق جامعه اسلامی است، و آن از رهگذر نظام انقلابی می‌گذرد، پشتوانه‌ای قوی از رخدادهای تاریخ اسلام نیز دارد، علی‌رغم وجود نظام و دولت اسلامی در صدر اسلام و هم حضور معصوم چون جامعه، اسلامی نشده بودند حوادث تلخی چون کربلا به وجود آمدند، جامعه‌ای که از دل آن کربلا پدیدار شد گرفتار سوداگری اقتصادی، تکاثر و رقابت‌طلبی در دست یافتن ثروت، زیردست پروری، خدا ناباوری در عمل، قشری‌گری، فریب و نیرنگ، استبداد و فشار اختناق و جهل‌گستری، خون‌محوری و

فامیل‌بازی و به تعبیر امروزیین آفازادگی، فراموشی محور حق و باطل، جابجایی ارزش‌ها، عمل نشدن به حق، تعطیلی امر به معروف و نهی از منکر، مرگ سنت، شکوفایی بدعت و تجری در مقابل احکام الهی بوده است (واسعی، ۱۳۸۵). بنابراین تنها راه بقای اسلام در جامعه، بقای ایمان مردم است که خود جوشش درونی همان انقلاب و تداوم آن است. اساساً علت ماندگاری انقلاب اسلامی از نظر رهبری جز ایمان مردم و هماهنگی هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی با فطرت مردم نیست (جمال‌زاده، باباهادی و فیضی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۱۲). از این رو نظریه نظام انقلابی با پاسداری از اسلام با «مشروع بودن قوانین با انطباق با اسلام» و «مبتنی بودن بر ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی» و حفاظت از هسته اصلی نظام اسلامی یعنی ولایت فقیه و با تداوم «پایبندی رهبری به فلسفه سیاسی و مکتب سیاسی امام، دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی، حفظ تقوا، شجاعت و خودآگاهی» و زنده نگه داشتن مردم با زنده نگه داشتن علاقه تاریخی‌شان برای «ریشه‌کن کردن حکومت سلطه و رسیدن به آزادی، مجاهدت و حضور در صحنه، اراده در شکل دادن و مدیریت حکومت، اخلاص، وحدت کلمه و همبستگی ملی و خودآگاهی» و با کارآمد ساختن نظام با «حرکت در مسیر عدالت، پیشرفت و توسعه عمومی کشور و پیشرفت علمی و پیشرفت‌های زیرساختی» (جمال‌زاده، باباهادی و فیضی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۴) و تولید علم و دانش متناسب و مقید به جهان بینی اسلامی و باور به غایت‌مندی نظام آفرینش (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۸۳) به دنبال تحقق جامعه اسلامی برمی‌آید. این همه حرکت دادن و حرکت کردن می‌خواهد که همان جریان و سیلان انقلابی‌گری در ادامه راه و برای تداوم آن است. نظام انقلابی با صورت‌گریزی و سیرت‌جویی در رفتار، عملکرد و برنامه‌ها (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۸/۶/۲۰) و ستیزه‌جویی با انحراف در هدف‌ها، آرمان‌ها و جهت‌گیری‌ها (بیانات در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴) و جریان بخشیدن عینی به ارزش‌های دینی در جامعه، تحقق عدالت اجتماعی، کارآمدی در جهت تحقق خواست‌ها و اهداف اسلامی (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۸/۶) در نهایت به شکل‌گیری دولت اسلامی و جامعه‌سازی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری و بحث

این بیان برخی از پژوهشگران که مردم و نخبگان با ورود به پنجمین دهه انقلاب اسلامی به دنبال دستاوردهای انقلاب هستند، البته منطقی و درست است. هرچند زمینه برای بحث علنی،

گسترده، همه جانبه و هوشمندانه نخبگان در مورد اینکه آیا ما در مسیر انقلاب قرار داریم یا اینکه انقلاب به پایان رسیده است؟ وجود داشته و باز است، اما به طور یقین، در اندیشه رهبری، انقلابی‌گری، مؤلفه پایداری است و آن هم به دلیل آرمان‌خواهی، سویه‌های فراگیر اندیشه‌های رهبری و ایدئولوژیک آن است. در واقع، راهبردی که در مسیر نیل به جامعه اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای برجسته است، تحقق دولت اسلامی با نظام انقلابی است. دولت در اندیشه و کنش رهبری انقلاب، ابزار و نه غایت است و وظیفه دولت اسلامی فعلیت بخشیدن به جامعه اسلامی است. بیانیه گام دوم از جنس حکمت عملی و واقع‌گرایانه است که راه تحول را با توجه جدی به نسل جوان میسر دانسته و عملاً گردش نخبگان را تبیین می‌کند. یکی از راه‌های تحول و تداوم، انتقال صحیح قدرت به چهره‌ها و نسل‌های جدید است و انقلابی‌گری برای تحقق آرمان‌ها نخ تسبیح تحول توأم با تداوم است. نظام انقلابی، برابری اصل تولی و تبری و اصل تعطیل‌برنداری امر ولایت است. گرایش به معنویت، دادگری راستین و دیانت‌درستین در جهان و توجه به ندای باطن وجود و فطرت در انسان، گذر از قدسی‌زدایی عالم و اقبال به نقش دین، جهان‌شمول کردن اعتقاد به استمرار دائمی و استکمالی نبرد حقیقت و باطل، اخلاقی کردن قدرت و سیاست، ملازم‌سازی قدرت با عدالت، رد جبر و تفویض با تأکید بر اختیار انسان، ممکن‌الوجود، حاکمیت نهایی عدالت و مستضعفین و صالحین بر آینده گیتی، خودآگاهی انسان، بطلان جبری انحصار و اصالت نژاد، فرد و ماده، تصرف قدرت مسبوق و مشروط به ولایت الله، بی‌اعتبار ساختن خودبنیادی انسان جدید، معرفی قدرت درست و حقیقی بر مدار وحی (سرپرست سادات، ۱۳۹۴)، برخی از افق‌های قدرت در دستگاه نظری و چشم‌انداز انقلاب اسلامی و صولت آن و در زبان و بیان پژوهندگان و رهبران جمهوری اسلامی و مؤلفه‌های تغذیه‌کننده و تداوم‌بخش «نظام انقلابی» هستند.

این مؤلفه‌ها توان تأسیس‌گری و جامعه‌پردازی دارند. این سرمایه اختصاصی در همه ابعاد و اشکال آن می‌بایست حرکت آفرین، امیدبخش و سازنده باشد و تمدن‌ها در چنین بستری متولد می‌شوند. روندها و فرایندها در سطوح مختلف اعم از فردی، بینافردی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌بایست نشانی از حرکت پیوسته، امید‌بی‌پایان و سازندگی نظام انقلابی برای طی کردن فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها باشد. دفاع از نظریه «نظام انقلابی» در اندیشه رهبری بر

چنین منطقی استوار است، چراکه چنین نظامی نمی‌گذارد روندها و جهات کلی حرکت از مسیر، غایت و سپهر درست، فطری و متعالی آن منحرف شود. «جامعه‌پردازی» یعنی توانایی ساختن جامعه مطلوب اسلامی و آن در تلقی رهبری یعنی جامعه‌ای برای دین، دنیا و آخرت، پیشرو در ابعاد مادی و معنوی، قرارگرفته در سطوح بالای علم، تجربه و فناوری، دارای ارتباطات اجتماعی سالم، اقتصاد سالم، شکفته‌گی استعدادها در پرتو آن، عرصه تعاون و همکاری با یکدیگر، جریان عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها، گسترش انس با خداوند، معنویت و اخلاق (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰). در بر پایی چنین جامعه‌ای آنچه که تعیین‌کننده است، کلیت و کلان حرکت است که مبتنی بر هندسه الهی و نقشه خداوند برای جامعه باشد. «اگر این نقشه تحقق پیدا کرد، خیلی از تخلفات فردی و شخصی و جزئی [قابل اصلاح و از این رو] قابل اغماض خواهد بود. برخلاف اینکه اگر اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود، نظامات جائری بود، نظامات از ناحیه خدا نبود، از ناحیه شیطان بود، از ناحیه نفس بود، اعمال فردی نمی‌تواند این جامعه را بالاخره به سرمنزل مقصود برساند. یک قطاری بر روی یک ریلی قرار دارد و به سمت یک هدفی دارد حرکت می‌کند. در داخل این قطار، البته مسلم است کسانی به وظایفشان عمل می‌کنند، کسانی عمل نمی‌کنند، لیکن این قطار به سمت هدف دارد حرکت می‌کند و بلاشک به هدف خواهد رسید» (بیانات در دیدار خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶). «نظام انقلابی» تشکیل‌یافته بر هندسه الهی، بازوی چنین نگاه کلی و کلانی است که به شدت پایبند به اصول خود و مرزبندی خود با دشمنان و رقیبان است و به مثابه موتور به حرکت جامعه در مسیر اهداف و آرمان‌های خود کمک کرده و در ساختن جامعه ایفاد وظیفه می‌نماید. البته حرکت جامعه در نظر رهبری بر دو نوع است: حرکت مثبت و به سمت عروج و اوج، و حرکت منفی و به سمت نزول و سقوط: «حرکت به سمت اوج این است که جامعه به عدالت‌خواهی نزدیک شود؛ به دین، رفتار دینی و اخلاق دینی نزدیک شود؛ در فضای آزادی رشد پیدا کند؛ رشد عملی، رشد علمی و رشد صنعتی پیدا کند؛ در بین جامعه، توامی به حق و توامی به صبر وجود داشته باشد؛ جامعه روزبه‌روز در مقابل دشمنان خدا، دشمنان دین، دشمنان استقلال کشور، احساس اقتدار بیشتری بکند، ایستادگی مقتدرانه بیشتری بکند؛ روزبه‌روز در مقابل جبهه ظلم و فساد بین‌المللی ایستادگی خودش را بیشتر کند؛ اینها رشد

است، اینها نشانه حرکت مثبت جامعه است؛ دنیا و آخرت یک جامعه را اینها آباد خواهد کرد. ما باید دنبال یک چنین حرکت مثبتی باشیم. اما نقطه مقابل اینها، یک حرکت به سمت تنزل هم وجود دارد: به جای حرکت به سمت عدالت، حرکت به سمت شکاف‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی با توجه‌های گوناگون؛ به جای استفاده از آزادی برای رشد علمی و رشد عملی و رشد اخلاقی، لابی‌گری و استفاده از آزادی در جهت فساد و فحشا و اشاعه گناه و اشاعه خلاف؛ به جای ایستادگی در مقابل مستکبران، متجاوزان و غارتگران بین‌المللی، به جای اقتدار نشان دادن در مقابل اینها، در مقابل آنها منفعل شدن، احساس ضعف کردن، عقب‌نشینی کردن؛ آنجایی که باید به آنها اخم کرد، به آنها لبخند زد؛ آنجایی که باید بر سر حقوق خود ایستاد، از حقوق صرف نظر کردن، اینها نشانه‌های انحطاط است. حرکت جامعه باید به سمت آن تعالی و آن ارزش‌ها، حرکت به سمت بالا باشد؛ حرکت مثبت باشد. این حرکت‌های به سمت پائین، همان بیماری‌هایی است که برای نظام اسلامی ممکن است پیش بیاید» (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۸/۶/۲۰).

روند کلی حرکت جامعه امروز ایرانی در برخی ابعاد البته مثبت است. تولید علم، خودکفایی در عرصه‌های گوناگون، دست یازیدن به مهم‌ترین رشته‌ها و توفیق در آنها نظیر چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، نانو، زیست فناوری، پزشکی و سایر حوزه‌های فناوری، و همچنین شناخت خود، جامعه خود و ظرفیت‌های آن، معنویت و مقاومت، برخی از وجوه حرکت مثبت، جامعه‌ساز و تمدن‌ساز «نظام انقلابی» است. جوانان ایران صحنه‌های معجزه‌گونه و بی‌نظیر فراوانی را از مجاهدت‌های علمی، دفاعی و سازنده در عرصه‌های نبرد سخت و جنگ نرم به نمایش گذارده‌اند. پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی خون آورد و خون دل خوردن همان جوانان است. بر اساس گزارش نیوساینست در سال ۲۰۱۰ ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی در جهان و پیشروترین کشور جهان در عرصه تولیدات علمی بوده و نرخ رشد علمی در ایران یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان بوده است. رتبه چهارم جهانی ایران و رتبه یکم کشورهای اسلامی در تولید علم نانو براساس آمار منتشر شده در وبگاه Web Of Science تا پایان دسامبر سال ۲۰۱۷، جایگاه سوم کشورهای جهان در استفاده کاربردی از دانش سلول‌های بنیادی و سوئمن کشور استخراج‌کننده سلول‌های بنیادی از پالپ دندان‌های شیری و رتبه

پانزدهم جهان در زمینه تولید علم سلول‌های بنیادی براساس آمار جهانی اسکوپوس در سال ۲۰۱۵، تولید بیست و دو داروی زیست فناوری در سال ۱۳۹۷ و صدور آن به هفده کشور جهان و بنابراین رتبه دوم آسیا و رتبه اول غرب آسیا و جایگاه سیزدهم جهان، جایگاه اول ایران از نظر علوم پزشکی در منطقه و رتبه هفدهم جهان و براساس تازه‌ترین نتایج رتبه‌بندی بین‌المللی تایمز ۲۰۱۹ جایگاه نخست کشورهای اسلامی از آن دانشگاه‌های ایران در زمینه پزشکی، ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور در عرصه فناوری هوا و فضا و یازدهمین کشور از نظر توسعه در عرصه فناوری فضایی بنا به اظهار نظر مؤسسه معتبر جهانی فوتون، یازدهمین کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره و دهمین کشور جهان از نظر طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره، سیزدهم جهان در توانایی غنی‌سازی اورانیوم و قرار داشتن در بین نه کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای^۱، تنها برخی از وجوه این حرکت پایدار هستند. این آمارهای به‌راستی ستودنی را می‌توان در برخی دیگر از حوزه‌های علم و فناوری نیز گزارش کرد و آنچه که در اینجا ضرورت دارد تا با بهره‌گیری از این مثال‌ها آشکار شود این است که پایه و مایه و سوخت موتور «نظام انقلابی» مدنظر رهبری، اعتماد به جوانان و همت جوانان آن بر پایه علم و فناوری، انقلاب علمی و تداوم این پیشرفت شگفت‌آور علمی تا تسخیر قلعه‌های دانش جهان در گام دوم انقلاب است.

در برخی از حوزه‌ها اما حرکت جامعه موفق نبوده است؛ عدالت مهم‌ترین آنهاست «عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های همه افراد به امکانات کشور» (بیانات در دیدار مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸). به تعبیر رهبری: «باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می‌دهد، موظف و مسئول کنند و از او مطالبه نمایند. باید توجه داشته باشند آن کسی که عدالت اجتماعی را در درجه پنجم قرار می‌دهد و عناوین دیگری را به‌جای عدالت اجتماعی می‌گذارد، او بیشترین نیاز یک جامعه را نادیده می‌گیرد و از نظر دور می‌کند» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴) و البته وظایف جدی‌تر و بنیانی‌تر و جهاد بزرگ در مسیر برقراری عدالت اجتماعی که از مهم‌ترین مشخصه‌های جامعه اسلامی در اندیشه رهبری

۱ رجوع کنید به مدیریت متن پژوهشی معاونت پژوهش و آموزش ۱۳۹۷.

است و «برداشتن فاصله ژرف میان آنچه تاکنون شده و با آنچه باید می‌شده و بشود»، متوجه «نظام انقلابی» در «گام دوم» انقلاب فعال است. نظام انقلابی، به دنبال پایبندی به اصول، مبانی و بازشناساندن «امید» (کلید اساسی همه قفل‌ها) به عنوان مسئله‌ای اجتماعی و «اعتماد» برآیند آن به عنوان مسئله نهادی (با حکم انقلابی چون طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات جمهوری اسلامی) و دست یازیدن به روح قانون اساسی جمهوری اسلامی یعنی دادگستری و نقطه آرمانی و غایی آن یعنی اقامه قسط اجتماعی است. ستون‌های اصلی «جامعه» در نظر رهبری، ایمان‌های انسان‌هایی است که صادقانه و با بصیرت، راه درست و مناسبات آن را فهم کرده و پای آن ایستاده‌اند (دیدار رهبری با خانواده شهید ناصر روشن روان) بایستی از این ایمان‌ها مراقبت کرد و دانست که «امید اجتماعی» برخاسته از «اعتماد همگانی» که برآیند کارآمدی نظام در سطوح مختلف و اقامه حقیقی قسط است، ضمانت آن است. راهی که آغاز شده، تجربه شده و پیمودن آن شدنی‌تر و آسان‌تر از «آغاز از نقطه صفر» و بدون سرمشق و تجربه در سرآغاز انقلاب اسلامی است. این همه با جوشش انقلابی و اهتمام پایدار، نوید جامعه مطلوب و تراز انقلاب اسلامی را می‌دهد و بنابراین جانبداری و تئوریزه کردن نظریه «نظام انقلابی» را در اندیشه رهبری تا ابد موجه می‌سازد.

منابع

- ابولقاسمی فخری، سعید (۱۳۷۲)، «سیمای جامعه اسلامی در قیاس با برخی آیات قرآنی»، پیام قرآن، شماره ۱، زمستان: ۷۹-۷۳.
- امیرکاوه، سعید (۱۳۹۳)، «نظارت اجتماعی در اسلام»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان: ۳۴-۹.
- اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۸)، اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خمینی (۱۳۶۹)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۹۸)، سخنرانی در همایش تأمل درباره انقلاب اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.

- جبرائیلی، سیدياسر (۱۳۹۷)، «نگاه فرابخشی و فرایندی در بیانیه گام دوم»، در سایت: <http://farsi.khamenei.ir/41851others-note?id=/http://farsi.khamenei.ir>
- جمال‌زاده، ناصر، محمدباقر باباهادی و رضا فیضی (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ششم، شماره ۱، بهار و تابستان: ۱۰۵-۱۲۸.
- خسروپناه، عبدالحسین (به کوشش) (۱۳۹۶)، *منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا (۱۳۷۵)، «مارکسیسم شوروی و نظریه پایان عصر انقلاب‌های اجتماعی»، *اطلاعات سیاسی اجتماعی*، شماره ۱۱۲-۱۱۱، آذر و دی: ۹۵-۹۲.
- رهنما، علی (۱۳۸۱)، *چهره‌نگاری علی شریعتی آرمان‌گرای اسلامی*، ترجمه مجید نکودوست، تهران: حسینیه ارشاد.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، چاپ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سایت مقام معظم رهبری <https://www.leader.ir/fa>
- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تمدن سازی»، *امنیت پژوهی*، سال چهاردهم، شماره ۵۰، تابستان: ۱۳۰-۱۰۵.
- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۷)، «بایسته‌های فرهنگی، نظری و ساختاری شکل‌گیری تمدن اسلامی-ایرانی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار: ۷۴-۵۱.
- شارون، جوئل (۱۳۹۸)، *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ۱۸، تهران: نی.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴)، «ویژگی‌های سیاسی اخلاقی جامعه اسلامی»، *رواق اندیشه*، شماره ۴۸، آذر: ۶۳-۴۸.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر ایده ضرورت تولید علم و دانش در ایران اسلامی»، *سیاست*، شماره ۷۱، بهار: ۱۶۳-۱۸۶.
- لک‌زایی، نجف و رقیه جاویدی (۱۳۹۷)، «نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *علوم سیاسی*، شماره ۸۱، بهار: ۱۶۶-۱۴۵.

- محمدی مزرعی، خدیجه و مهدی نادری (۱۳۹۷)، «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *رهیافت/انقلاب/اسلامی*، شماره ۶۱، بهار: ۸۸-۶۱.
- مستقیمی، مهدیه سادات (۱۳۸۰)، «تعدیل ثروت در جامعه اسلامی»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۴، زمستان: ۹۴-۸۰.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۳)، «آگاهی سیاسی و جوامع اسلامی»، *اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۱۰، تابستان: ۱۰۸-۶۵.
- مدیریت متن پژوهشی معاونت پژوهش و آموزش (۱۳۹۷)، *مستندیابی‌ها و روابط بینامتنی درونی بیانیه گام دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی*.
- واسعی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵)، «بررسی جامعه‌شناختی جامعه اسلامی عصر امام حسین(ع)»، *حکومت اسلامی*، شماره ۲۵، پاییز: ۱۸۸-۱۵۰.